

کارکردهای صرفی-معنایی «ها» در زبان فارسی از منظر رده‌شناختی

فاطمه بهرامی*

استادیار زبان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

گرچه مفهوم دستوری شمار از بدیهیات تلقی می‌شود و به تمایز مفرد/جمع در همه کتاب‌های دستورزبان اشاره شده‌است، اما جنبه‌های مختلف معنایی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته و معمولاً مفهوم جمع به‌مثابه دلالت بر بیش از یک تفسیر می‌شود؛ درحالی که مفهوم دقیق آن، با توجه به مختصات معنایی اسم پایه، از حیث رده‌شناختی بسیار تنوع‌پذیر است. در این نوشتار، ویژگی‌های صرفی-معنایی تکواژ «ها» به‌عنوان یکی از پربسامدترین تکواژهای جمع‌ساز فارسی بررسی می‌شود و به‌طور خاص قصد دارد نشان دهد که زبان فارسی تا چه میزان در رمزگذاری مفهوم جمع، تابع تنوعات بین‌زبانی است. ارزیابی داده‌های زبان فارسی در چهارچوب رده‌شناختی آکواویوا نشان می‌دهد که تکواژ «ها» در زبان فارسی دارای تنوعات معنایی است و تحت تأثیر ویژگی‌های معنایی اسم پایه می‌تواند بیانگر یکی از مفاهیم تعدد، نمود ناقص، پیوستگی، تعدد بدون وجود مرز ادراکی قابل تشخیص، القاء خوانش ملموس و عینی از اسم‌های معنی و زمان/مکان، موردنمایی، دلالت بر فراوانی کمی و کیفی (شدت‌بخشی)، پراکندگی و گستردگی موقعیت‌یافته برای اسم‌های توده‌ای، مشابهت، تأکید بر مصداق و یا تلفیقی از آن‌ها باشد؛ که از این میان، کارکردهای نمودی، شدت‌بخشی، تأکید و تقریب زمانی، ویژگی‌های معنایی مختص جمع‌سازی در زبان فارسی هستند، اما همچنان می‌توان این کارکردها را از طریق بسط حوزه‌های مطروحه در چهارچوب مذکور تبیین نمود.

کلیدواژه‌ها: مقوله شمار، تکواژ «ها»، رده‌شناسی معنی‌شناختی، ویژگی‌های صرفی-معنایی

۱- مقدمه

به کارکرد تکواژ «-ها» در زبان فارسی امروز، به‌عنوان نشان جمع، در تمامی کتاب‌های دستور زبان فارسی اشاره شده؛ اما جنبه‌های مختلف معنایی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است. شاید در نگاه نخست، در زبان‌هایی نظیر فارسی و انگلیسی که شمار دارای دو ارزش مفرد و جمع است، مفهوم جمع به‌مثابه مجموعه‌ای از اشیاء، پدیده‌ها و عناصر مساوی یا بیش از دو تعریف شود و بنابراین چنانچه اسمی مفرد نباشد، انتظار می‌رود از حیث تعداد بر بیش از یک دلالت کند؛ اما باید توجه داشت که جمع همواره در معنی «بسیار» و نقطهٔ مقابل «یک» تفسیر نمی‌شود؛ بلکه ارزش دقیق معنایی آن وابسته به تلقی مفهوم «یک» برای آن واژه است و به این ترتیب مختصات معنایی اسم پایه سهم بسزایی در برداشت اهل زبان از صورت جمع واژه دارد. در واقع بدان جهت تفسیر جمع در همهٔ بافت‌ها متناظر با «بیش از یک» نیست که اسم‌ها در مفهوم‌سازی اولیهٔ حوزهٔ معنایی مصداق خود به صورت دوشقی عمل نمی‌کنند.

در این نوشتار هدف آن است که باتوجه به ویژگی‌های اسم، تنوعات نقشی و معنایی تکواژ «-ها» از منظر رده‌شناسی در فارسی امروز واریسی شود و بررسی گردد که زبان فارسی تاچه میزان در رمزگذاری مفهوم جمع، تابع تنوعات بین‌زبانی است و از دامنهٔ تنوعات مورد انتظار جمع دستوری تبعیت می‌کند. بدین منظور پس از مرور مختصر آراء پیشینیان در این خصوص، ابتدا به معرفی چهارچوب رده‌شناختی آکاوویوا^۱ (۲۰۰۸) در طبقه‌بندی معنایی جمع خواهیم پرداخت و پس از آن با ارزیابی دقیق نظرات دستوریان و زبان‌شناسان در مورد تکواژ «-ها» تلاش می‌شود، با دقت بیشتری تنوعات نقشی تکواژ «-ها» طبقه‌بندی گردد و برخی جنبه‌های معنایی نهفته این تکواژ آشکار شود. پس از تحلیل شواهد زبان فارسی که یا از منابع موجود با ارجاع اخذ گردیده‌اند و یا برگرفته از شم زبانی نگارنده‌اند، درنهایت جمع‌بندی یافته‌ها به‌اختصار ارائه می‌گردد. به‌منظور نیل به این هدف، نوشتار حاضر به‌طور خاص قصد پاسخگویی به دو پرسش زیر را دارد:

۱- کارکردهای معنایی تکواژ «-ها» در زبان فارسی کدامند؟

۲- تنوعات معنایی تکواژ «-ها» در زبان فارسی تاچه‌اندازه تابع چهارچوب رده‌شناختی آکاوویوا (۲۰۰۸) است؟

۲- مرور پیشینه

دستورنویسان متقدماً بر نقش جمع‌ساز بودن تکواژ «-ها» تأکید دارند و گاهی به صورت محدود و گذرا به برخی جنبه‌های معنایی آن نیز اشاره می‌کنند. در این مجال با اختصار کامل به مرتبط‌ترین آثار اشاره می‌شود تا اشتراکات و افتراقات نظر متخصصین در مورد تکواژ جمع‌ساز «-ها» در فارسی ارائه شود و به جزئیات آراء و نظرات در صورت لزوم در بخش تحلیل اشاره خواهد گردید.

قریب و همکاران (۱۳۷۳: ۳۰) در بخش اسم بیان می‌کنند: «اسم خاص را جمع بستن نشاید ... مگر در جایی که مقصود از آن مانند و نوع باشد ... و در این صورت در حکم اسم عام است و به «ها» جمع بسته می‌شود». انوری و گیوی (۱۳۹۰/۲: [۱۳۷۶]: ۸۹) تصریح می‌کنند «اسم اگر بر یک فرد یا یک چیز و یا یک مفهوم دلالت کند آن را مفرد گویند ... درمقابل، اسم‌هایی که بیشتر از یکی را می‌رسانند جمع نامیده می‌شوند». به بیان آنان (۱۳۹۴/۲: ۹۲) «جمع بستن مخصوص اسم‌های عام است، اما اگر غرض، بیان انواع و امثال باشد نه جمع بودن، به آخر بعضی از اسم‌های خاص امروزه نشانه جمع «ها» اضافه می‌کنند». گرچه در هیچ‌یک از دو اثر فوق، به صراحت، نقش‌های ثانویه تکواژ «-ها» بیان نمی‌شود، اما نویسندگان به کارکرد دیگر این تکواژ به عنوان نشان اسم جنس/نوع اشاره دارند. شریعت (۱۳۶۴: ۱۷۸) از جمله افرادی است که تصریح می‌کند «اسم خاص اگر جمع بسته شود، اسم نوع نامیده می‌شود؛ مانند داریوش‌ها، اسکندر‌ها، حافظ‌ها، فردوسی‌ها».

ماهوتیان (۱۳۷۸: ۱۵۱) به ذکر این مطلب بسنده می‌کند که «پسوند -ها را برای جمع بستن اسم‌های مشخص و معرفه به کار می‌برند. بنابراین اسم جنس و اسم‌هایی را که عدد گرفته‌اند و غیرمشخص هستند، نمی‌توان جمع بست». ماهوتیان به کارکردی که سایر دستوربان بدان اشاره داشته‌اند توجه نمی‌کند. در بین دستوربان، لازار (۱۳۸۴) با ژرف‌نگری بیشتری به تنوع کارکردی تکواژ «-ها» می‌پردازد و به نقش‌های متعددی برای تکواژ «-ها» همچون برجستگی تنوع و تعدد مصداق و تأکید قائل است (۱۳۸۴: ۶-۸۵).

انوری (۱۳۸۲: ۲۵۸۴) در فرهنگ سخن به اختصار نقش‌های بیان حدود زمانی، تأکید و مبالغه در کثرت را همراه با مثال برای تکواژ «-ها» در زبان فارسی برمی‌شمرد که در بخش تحلیل به آن‌ها اشاره خواهد گردید.



عباسی (۱۳۸۱) جمع‌بستن اسم‌شمارش‌ناپذیر را به کارکردهای «مبالغه در مقدار»، «جمع‌بستن ظروف حاوی اسم‌شمارش‌ناپذیر»، «تعدد انجام یا وقوع کار» و «اشاره به انواع مختلف پدیده» مربوط می‌داند.

علی‌نژاد و طیب (۱۳۸۵) در بررسی دستگاه شمار زبان فارسی، کارکردهای معنایی انواع تکواژهای جمع‌ساز فارسی امروز را اعم از بومی و غیربومی در قالب شش کارکرد مختلف برای انواع تکواژهای جمع‌ساز در فارسی امروز ارائه می‌دهند که عبارتند از: بیان مفاهیم «تعدد»، «تکثر»، «انواع»، «مجموعه»، «نواحی یا مکان‌ها» و در نهایت «تکرار». آنان علی‌رغم اشاره به تنوع نقشی نشان جمع، در مواردی دقت لازم را در بیان کارکردهای تکواژهای جمع‌ساز به‌ویژه تکواژ «-ها» ندارند و مضاف بر این دسته‌بندی آنان از هیچ چهارچوب نظری پیروی نمی‌کند.

درزی و قدیری (۱۳۹۰) بیان می‌کنند که زمان‌واژه‌های دارای تکواژ جمع، معانی تعدد، کثرت و طول زمان را به ذهن متبادر می‌کنند. اما هرگاه، در کارکرد قیدی در جمله ظاهر شوند، رفتار متفاوتی خواهند داشت و از نظر معنایی بر تکرار دلالت دارند و از این حیث یک گروه سور^۲ به حساب خواهند آمد. زیرا در جمله‌ای نظیر «دوشنبه‌ها تلویزیون سریال جالبی پخش می‌کند» زمان‌واژه «دوشنبه‌ها» به صورت «هر دوشنبه»، تفسیر می‌شود. آنان در ادامه به تحلیل ساخت نحوی این گروه‌های سوری در چارچوب کمینه‌گرایی به پیروزی از الگوی کاواشیما^۳ (۱۹۹۴) می‌پردازند.

سمیعیان (۱۹۸۳) «-ها» را پسوند معرفه‌ساز می‌داند و قمشی (۱۹۹۶) علاوه بر پذیرش نظر سمیعیان، بنا به تکیه بر بودن این تکواژ تاکید می‌کند که «-ها» وندی اشتقاقی است. شریفیان و لطفی (۲۰۰۳) به برخی کارکردهای معنایی جمع در اسم‌های شمارش‌ناپذیر «آب»، «برنج» و «روغن» اشاره می‌کنند که تکواژ «-ها» بر تعدد دلالت ندارد.

در بخش تحلیل با شرح و تفصیل بیشتری به این آراء بازخواهیم گشت. اما پیش از آن به معرفی مبنای نظری می‌پردازیم که زمینه‌ساز تحلیل و بررسی بیشتر است.

۳- مبانی نظری

چنان‌که در مقدمه ذکر گردید تفسیر جمع الزاماً در همه موارد کارکرد یکسان ندارد و نقطه مقابل مفرد نیست. به بیان آکاوویوا (۲۰۰۸: ۷۹-۸۰) هویت معنایی مصداق در تفسیر مفهوم جمع بسیار تأثیرگذار است. گاهی این تفسیر بر پایه دو ویژگی اساسی وحدت^۴ و همسانی^۵ شکل می‌گیرد که خود ماهیت پیوستاری دارند و به این ترتیب مفهوم‌سازی اسم در زبان پدیده‌ای مدرج است. گاهی برجستگی دوشقی «یک» در مقابل «غیریک»، ناشی از تأثیر مرز‌نمایی ادراکی^۶ در مفهوم واژه پایه است. علاوه بر آن، مفهوم جمع می‌تواند تحت تأثیر ذات و معنی بودن اسم و عوامل دیگری نیز قرار گیرد.

به‌طور کلی آکاوویوا (۲۰۰۸: ۷۹-۱۱۴) معتقد است از نظر رده‌شناختی، پنج عامل اساسی، موجب تفاسیر متفاوت اما مرتبط برای پدیده جمع دستوری در بین زبان‌ها می‌شود که در ادامه به اختصار و در حد ضرورت معرفی می‌شوند.

۳-۱ وحدت

وحدت بر کیفیت آنچه به‌تنهایی تشکیل یک کلیت کامل را می‌دهد دلالت دارد. به این ترتیب مفهوم اسم‌های شمارش‌پذیر دربردارنده ویژگی وحدت است. مصداق «کتاب» دارای وحدت است و تنها تمامیت آن به‌عنوان کتاب تلقی می‌شود و نمی‌توان چند صفحه از آن را به‌عنوان یک کتاب بازشناخت؛ در حالی‌که اگر ماده‌ای به‌عنوان آب شناخته می‌شود، بخشی از آن نیز همچنان آب است. به این ترتیب، اسم‌های شمارش‌پذیر به طرز بارزی دارای ویژگی وحدت هستند و چنان‌چه جمع بسته شوند، باز هم مفهوم مصداق، ویژگی وحدت را در خود حفظ می‌کند و مثلاً «کتاب‌ها» به‌صورت انباشتی و در مفهوم بیش از «یک کتاب» تفسیر می‌شود. هم‌آیی واحدهای اندازه‌گیری با اسم‌های شمارش‌ناپذیر موجب می‌شود ویژگی وحدت بر آن‌ها نیز مترتب شود. بنابراین «دو بسته چای» دارای مشخه^۷ وحدت است.

۳-۲ همسانی

همسانی بر تشخیص یک مصداق، به عنوان یک و صرفاً همان مصداق دلالت دارد. همسانی

الزاماً با شمارش‌پذیری اسم مرتبط نیست. اسم‌های شمارش‌ناپذیر، مانند «آب»، گرچه فاقد ویژگی وحدت هستند، اما ویژگی همسانی دارند و از طرف دیگر برخی اسم‌های شمارش‌پذیر فاقد ویژگی همسانی هستند. مثلاً مصداق "things" برخلاف مصداق "books" دارای ویژگی همسانی نیست، زیرا "things" می‌تواند بر اشیاء مختلفی دلالت کند و در پاسخ سؤالی نظیر "How many things are here?" می‌توان کتاب، میز، قاب عکس، فرش، ظرف غذا و موارد متعددی را برشمرد؛ اما در پاسخ پرسش "How many books are here?" تنها می‌توان کتاب‌ها را شمارش کرد.^۷ همین‌طور مصداق «خوراکی‌ها» فاقد همسانی است.

۳-۳ پیوستگی

پیوستگی^۸ بیانگر ارتباط و ابستگی دوجانبه میان اشیاء و عناصری است که به‌صورت طبیعی یا قراردادی هم‌وقوعی دارند و به عنوان بخش‌هایی از یک کلیت بزرگتر تلقی می‌شوند. در وحدت، ارتباط همه بخش‌ها و اجزاء یک شیء/عنصر با یکدیگر به مثابه یک کل برداشت می‌شود که صرفاً با یکدیگر و نه با چیز دیگری پیوند دارند. از طرف دیگر باید در نظر داشت که یک کل، خود می‌تواند شامل کل‌های زیرمجموعه‌ای باشد و رابطه وحدت میان اعضاء منفرد، به صورت مجموعه‌ای شکل می‌گیرد. درست به همین دلیل است که در ابتدای بحث ذکر گردید، وحدت مفهومی پیوستاری است. واژه‌های «کمیت» و «ارکستر» به تعبیر جکنداف^۹ (۱۹۹۱) دارای مؤلفه‌های معنایی [+internal structure] و [+bounded] هستند. جیل^{۱۰} (۱۹۹۶: ۶۳) اشاره می‌کند یک «تیم» می‌تواند از تعدادی پسر تشکیل شود که حضور آن‌ها از نظر وجودی برای تیم ضروری است، اما این واژه نحوه سازمان‌دهی خاصی را برای اعضاء ارائه می‌دهد. به بیان دیگر، تمامیت مفهوم «تیم» چیزی بیش از تجمیع اعضاء منفرد است و در واقع نمی‌توان معنی واژه را به‌صورت افزایشی^{۱۱} در نظر گرفت. به این رابطه وحدتی خاص، پیوستگی می‌گوییم. پیوستگی، بر وحدت، خواه به‌صورت انفرادی و خواه به‌صورت مجموعه‌ای دلالت دارد و معمولاً با واژه‌هایی نظیر «دسته، گله» که به عنوان «اسم جمع» شناخته می‌شوند، در زبان بازتاب می‌یابد. گاهی نیز واژه‌های دارای تصریف جمع چنین کارکردی دارند. اندام‌واژه‌ها که به صورت جفت یا مجموعه‌ای هستند، می‌توانند بیانگر مفهوم پیوستگی باشند. چشم‌ها، دندان‌ها و بازوها بر کلیت

مصادق دلالت دارند و بنابراین ویژگی وحدت، بر مجموعه مترتب است و وحدت اجزاء مجموعه به صورت انفرادی کاهش می‌یابد. پیامد این ویژگی آن است که در یک مقایسه، وحدت معنایی «سر» بیشتر از «دندان» احساس می‌شود؛ زیرا هویت مفهومی دندان، برخلاف سر، بیشتر به صورت مجموعه‌ای و پیوسته است. آکوایوا (۲۰۰۸: ۱۰۲) بیان می‌کند که در برخی زبان‌ها، ویژگی پیوستگی در ساختواژه زبان در قالب وند خاصی تظاهر می‌یابد؛ مانند پیشوند Ge- در زبان آلمانی بر سر واژه Schwester به معنی «خواهر» که واژه Geschwister به معنی «خواهبرادر» را می‌سازد. گاهی نیز مفهوم پیوستگی، بدون تمایز ساختوازی خاصی و صرفاً به صورت شمی برای واژه جمع استنباط می‌شود؛ مانند wheels در زبان انگلیسی که در محاوره به معنی "a car" است. در یک جمع‌بندی، از انواع موارد پیوستگی، این نتیجه حاصل می‌آید که گاهی صورت جمع، صرفاً بر تعدد و شمار مصادق دلالت نمی‌کند، بلکه خوانش مجموعه‌ای بودن در مقابل انفرادی بودن مصادق را نشان می‌دهد.

۳-۴ مرز‌نمایی

مرز‌نمایی موجب می‌شود که شیء یا چیزی براساس مرزهای آن قابل تشخیص باشد و نقطه مقابل اشیاء، پدیده‌ها و چیزهای دارای پیوستار توده‌ای^{۱۲} و یا بخش‌های تکه‌تکه با مرز نامشخص است. غالباً مرز ادراکی به‌عنوان ویژگی اصلی در تمایز میان اسم شمارش‌پذیر/ناپذیر در نظر گرفته نمی‌شود؛ اما در مواردی نمی‌توان نقش بارز آن را نادیده گرفت. مثلاً واژه‌هایی نظیر cliffs, clouds, hills, mountains اسم‌های شمارش‌پذیر و ذات هستند و باوجودی که از ویژگی وحدت برخوردارند، اما فاقد مرز قاطع تشخیصی هستند؛ بدین معنا که هیچ خط قاطعی نقطه پایان یک تپه و آغاز مرز تپه بعدی را نشان نمی‌دهد. واژه جمع "hills" در عبارت اسمی "a house in the hills" به معنی جمع چند تپه تفسیر نمی‌شود، بلکه بر «خانه‌ای واقع در بلندی‌ها» دلالت دارد. انکار نمی‌شود که وحدت مصادیق واژه‌های فوق قابل تشخیص است، اما باید توجه داشت که این امر متفاوت از تشخیص مرز ادراکی است و داشتن وحدت لزوماً به این معنی نیست که مفهوم واژه دربرداخته مرز ادراکی معین است. در کارکردهای این‌چنینی، اسم‌های شمارش‌پذیر جمع، به محتوای معنایی اسم‌های شمارش‌ناپذیر نزدیک



می‌شوند. بنابراین با توجه به معیار مرز ادراکی می‌توان وجه اشتراک معنایی میان اسم‌های شمارش‌پذیر/ناپذیر در کاربردهای خاص را توضیح داد.

۳-۵ موردنمایی

موردنمایی^{۱۳} نشان‌دهنده رابطه میان یک ویژگی و مصداق دارای آن ویژگی است. جمع در این کارکرد، می‌تواند خوانش عینی و ملموس از اسم‌های معنی ارائه دهد. به بیان آکوایوا (۲۰۰۸) «گسترده‌گی موقعیت‌یافته»^{۱۴} و «نمونه‌آوری تنوع نوعی»^{۱۵} دو عاملی هستند که برداشت موردنمایی از مفهوم جمع را باعث می‌شوند. آکوایوا (۲۰۰۸: ۱۰۷) بیان می‌کند گسترده‌گی موقعیت‌یافته موجب برداشت عینی از اسم‌های جمع شمارش‌ناپذیر می‌شود، که در آن ارجاع نه بر پایه فردیت^{۱۶}، بلکه براساس نوعی موردنمایی مصداق در فضا/مکان است و بیانگر یک یا تلفیقی از چند ویژگی زیر است:

- عینی‌بودن^{۱۷}: اسم‌های معنی نظیر feelings, loyalties و sorrows الزاماً بر تجمیع دلالت ندارند و حتی واژه جمع، از نظر مفهومی بر خود ویژگی انتزاعی دلالت نمی‌کند، بلکه بر موقعیتی که دارای این ویژگی است اشاره دارد. در جمله "I respect her loyalties" تفسیری مشابه "I respect her choice of what to be loyal to" به ذهن متبادر می‌شود. مثال بارزتر، واژه depths است که برخلاف صورت مفرد واژه، به وضوح بر خود ویژگی انتزاعی عمق دلالت نمی‌کند، بلکه به منطقه یا فضایی که دارای این ویژگی است، اشاره دارد؛ مانند اعماق اقیانوس، که از نظر فضایی، کاملاً برای ما متصور و ملموس است. در واقع، صورت جمع در این موارد، موجب ایجاد تفسیر عینی می‌شود و خوانش ملموس موقعیت‌یافته را حاصل می‌کند.

- وفور^{۱۸}: یکی دیگر از مواردی که گسترده‌گی موقعیت‌یافته را نشان می‌دهد، جمع واژه شمارش‌ناپذیر waters در عبارت اسمی "The waters in the sea" است که علاوه بر ملموس‌بودن، بیانگر حجم وسیع و پیکره قابل ملاحظه‌ای آب است. هم‌چنین جمع شمارش‌ناپذیر می‌تواند به مثابه «اسم نوع» نه به‌عنوان یک فردیت انتزاعی، قابل تفسیر باشد و گاهی چنان گسترش‌پذیری محیطی آن بارز است، که تلویحاً نیازمند مشخصه وفور است. این ویژگی موجب می‌شود که در برخی زبان‌ها جایگزینی صورت مفرد/جمع واژه‌های شمارش‌ناپذیر وابسته به بافت

کاربردی آن و منوط به مشخصهٔ وفور باشد. آکوایوا (۲۰۰۸: ۱۱۰) اشاره می‌کند که اسم‌های معنی اغلب در کنار وفور، بیانگر گسترش مفهوم واژه در مکان و زمان هستند که در جای مناسب بیشتر معرفی می‌شوند.

- پراکندگی^۹: گاهی واژه در بافت، علاوه بر خوانش کاملاً ملموس و عینی، بر گستردگی و پراکنده‌بودن مصداق دلالت دارد؛ جمع مصادیقی نظیر «آرد» یا مایعات که توده‌ای و بی‌شکل هستند، بر گستردگی در سطح دلالت می‌کند.

- ارجاع به فضای مکانی/زمانی: در بحث ملموس‌بودن اشاره شد که depths آشکارا مفهومی متفاوت از صورت مفرد خود دارد، از این حیث که نه بر یک ویژگی انتزاعی، بلکه بر منطقه یا مناطقی که دارای این مشخصه است دلالت می‌کند و ویژگی مترتب بر واژه در فضا/مکان «موقعیت‌یافته» است. یکی دیگر از مصادیق ارجاع به فضای مکانی/زمانی pains است که حس برخاسته از درد را نه به عنوان رخداد‌های شمارش‌پذیر، بلکه به‌مثابهٔ توصیف وضعیت‌های دردناک در ظرف زمان و حتی گاه مکان بیان می‌کند.

علاوه بر گستردگی موقعیت‌یافته که مفاهیم متعدد آن ذکر گردید، عامل دیگری که می‌تواند مفهوم نمونه‌آوری از شمار جمع را به ذهن اهل زبان متبادر کند، نمونه‌آوری تنوع نوعی است. به بیان آکوایوا (۲۰۰۸: ۱۱۲) یک اسم نوع، هم‌زمان بر «یک» و «بسیار» دلالت دارد. در این حالت مصداق واژه در صورت صرفی مفرد و جمع، بر کثرت دلالت دارد و تفاوت شمار مطمئناً ارتباطی به خوانش مجموعه‌ای یا توزیعی واژه ندارد. اسم نوع/جنس صرفاً برای انواع^{۲۰} صدق می‌کند و نه برای افراد و موردهای معرفه و مشخص از مصداق (همان‌جا). وقتی می‌گوییم «ادیسون لامپ را اختراع کرد»، منظور لامپ خودش یا آن لامپ و یا حتی مجموعهٔ تمام لامپ‌ها نیست، بلکه بر نوع فارغ از مصادیق عینی آن اشاره داریم. در واقع اسم‌های نوع در کنار وفور، بیانگر نمونه‌های متنوع مصداق هستند.

۴- بررسی و تحلیل

همان‌گونه که در مبنای نظری به‌تفصیل اشاره شد، جمع‌سازی در زبان، تحت تأثیر واژه پایه می‌تواند بیانگر مفاهیم متنوعی باشد. برخی مطالعات پیشین تنها به برخی جنبه‌های کارکردی

تکواژ «-ها» و سایر نشان‌های جمع در فارسی پرداخته‌اند؛ از سوی دیگر تکثر آراء و فقدان چهارچوب نظری مشخص در بیان تنوعات معنی‌شناختی جمع، موجب شده است تا اشارات از جامعیت لازم و مطلوب برخوردار نباشد. در ادامه سعی خواهد شد، تنوعات معنایی تکواژ «-ها» در چهارچوب نظری مطروحه بررسی شود و در این راستا، نقد آراء سایرین نیز مورد توجه است.

۴-۱ وحدت و همسانی

چنانچه شمّ زبانی سخنگویان به‌خوبی درک می‌کند، بدیهی‌ترین و اساسی‌ترین مفهومی که از صورت جمع واژه استنباط می‌شود، دلالت مصداق بر بیش از یک است، مشروط بر این‌که واژه پایه از حیث وحدت و همسانی به‌عنوان یک موجودیت مستقل و متمایز در جهان خارج قابل استنباط باشد. این مفهوم بیشترین بسامد کاربردی در بین زبان‌ها را دارد. اما باید در نظر داشت، باتوجه به آن‌که در اراده جمع، هر دو عامل وحدت و همسانی، ایفای نقش می‌کنند، نوع برداشت از این مفاهیم، تحت تأثیر بافت زبانی تنوع‌پذیر است. به‌منظور اشاره به برخی جنبه‌ها به ذکر چند مثال خواهیم پرداخت.

(۱) الف. این کتاب‌ها در حوزهٔ نحو به رشتهٔ تحریر درآمده‌اند.

ب. کتاب‌ها رو در قفسه جا دادم.

ج. این کتاب‌ها با جلد چرمی به‌بازار آمده‌اند.

در مثال (۱) الف) تفسیر وحدت برای مصداق جمع، به صورت انفرادی و مترتب بر هر کتاب قابل درک است. آکواویوا (۲۰۰۸: ۸۲) به چنین برداشتی از مفهوم جمع «تفسیر توزیعی»^۱ نام می‌دهد. هم‌چنین، با وجود این‌که مشخصاً همسانی به‌طرز بارزی مشهود و قابل استنباط است، اما دارای تنوع درونی است؛ بدین معنا که برای کتاب‌های نحو مذکور، می‌توان تنوعات درون موضوعی و محتوایی متصور شد. نتیجه آن‌که ویژگی همسانی برخلاف تصور نخست، الزاماً بر مختصات فیزیکی و عینی دلالت نمی‌کند، بلکه می‌تواند برحسب محتوای کتاب که ویژگی‌ای انتزاعی است لحاظ شود و همچنین همان‌گونه که آکواویوا (۲۰۰۸: ۸۰) البته بدون ذکر مثال بیان می‌کند، وحدت و همسانی ویژگی‌هایی دوشقی نیستند و به‌صورت پیوستاری در زبان استنباط می‌شوند.

در مثال (ب) گرچه بی‌تردید مصداق جمع دارای تفسیر وحدت است، اما به تعبیر آکوایوا (۲۰۰۸: ۸۲) برداشت وحدت، از مجموعهٔ این واحدها به صورت یک کل واحد استنباط می‌شود؛ زیرا تمامی کتاب‌ها با هم در قالب یک کل، فضای قفسه را اشغال می‌کنند. وجود مشخصهٔ همسانی برای مصداق جمع به همان ترتیب مثال (الف) قابل برداشت است. برای مصداق جمع «کتاب» در (۱ ج) نیز به دلیل مشخصهٔ مشترک جلد چرمی برای تکتک مصادیق، همسانی بیشتری نسبت به موارد (الف) و (ب) استنباط می‌شود.

گاه گسترش معنای تعدد در زبان فارسی موجب می‌شود که حضور عبارتهای زمانی همراه با تکواژ «-ها» بیانگر تکرارپذیری و استمرار فعل یا کنش و به بیان دقیق‌تر نمود ناقص فعل باشند. در واقع عبارت زمانی جمع، بیانگر نوعی تصویرگونگی میان صورت واژه که دارای تصریف جمع است و مفهوم اراده‌شده از آن که همان تکرار شونده‌گی و ناقص بودن فعل است، برقرار می‌کند. آکوایوا (۲۰۰۸: ۷۹) تصریح می‌کند که تعامل نزدیک میان اطلاعات دستوری و محتوای معنای واژه موجب سایه‌افکندن جنبه‌های معنایی ویژه‌ای بر صورت جمع یک واژه در زبان می‌شود که تا حد بسیاری متأثر از محتوای معنایی خاص همان واژه است. این تأثیرپذیری متقابل در مثال‌های زیر در فارسی به خوبی مشهود است.

(۲) الف. روزها کار می‌کرد و شب‌ها درس می‌خواند.

ب. استاد دوشنبه‌ها می‌آد.

در (۲ الف) واژه‌های «روزها» و «شب‌ها» بر تکرار فعل تأکید دارند و نشان می‌دهند که مفهوم دستوری جمع، می‌تواند تحت تأثیر محتوای معنایی پایه‌ای که با آن همراه شده، در خدمت بیان مفهوم دستوری ثانویه‌ای تحت عنوان نمود ناقص قرار گیرد. به همین ترتیب «دوشنبه‌ها» در (۲ ب) متبادرکنندهٔ کنشی عادت است که نوع دیگری از نمود ناقص است. هر دو مفهوم تکرار و عادت از گسترش معنایی و کارکرد ثانویهٔ تکواژ «-ها» حاصل شده‌اند، که به واسطهٔ تلفیق این تکواژ با واژه‌های زمانی ایجاد شده‌است.

پیشتر در بخش مرور پیشینه ذکر گردید که درزی و قدیری (۱۳۹۰) اشاره می‌کنند تکواژ «-ها» در هم‌آیی با زمان‌واژه‌ها بیانگر مفهوم تکرار است. در واقع آنان نیز تلویحاً و نه تصریحاً به نقش نمودی این تکواژ اشاره می‌کنند. مثال‌های زیر از آنان نقل می‌شود.

(۳) الف. زمستان‌ها کرسی زغالی می‌گذاشتیم.



ب. مردم، اردیبهشت‌ها، برای دیدن مراسم گلاب‌گیری به کاشان می‌روند.
 ج. علی یکشنبه‌ها به کلاس زبان و دوشنبه‌ها به کلاس شنا خواهد رفت.
 د. دوست دارم صبح‌ها به پیاده‌روی بروم. درزی و قدیری (۱۳۹۰: ۷-۷۶)

نگارنده تأکید می‌کند، مفهوم جمع در زبان فارسی در موارد بسیاری از اسم‌های زمان و مکان تأثیر می‌پذیرد، که در این‌جا به یک نمونه از این تعامل اشاره گردید. به سایر جنبه‌های این تعامل در زمان مقتضی اشاره خواهد گردید.

باید توجه داشت که صورت جمع مصدرهای فعلی نیز می‌توانند نشانگر تکرار و نمود ناقص برای آن کنش باشند. مثال زیر به نقل از علی‌نژاد و طیب (۱۳۸۵: ۱۶۲) نقل می‌شود که به‌درستی به کارکرد بیان تکرار برای تکواژ «ها» اشاره می‌کنند اما به تصریح به نقش نمودی آن اشاره ندارند.

(۴) این آمدن‌ها و رفتن‌ها برای چه بود؟ علی‌نژاد و طیب (۱۳۸۵: ۱۶۲)

با وجود نقش بارز تکواژ «ها» در بیان نمود در زبان فارسی، آکوایوا (۲۰۰۸) علی‌رغم تلاش برای جامعیت بحث و گردآوری تنوعات بین‌زبانی، هرگز به چنین کارکردی از مفهوم جمع در زبان فارسی و هیچ زبان دیگری اشاره نمی‌کند.

۲-۴ پیوستگی

مشخص شد که پیوستاری بودن مفهوم «وحدت» می‌تواند رابطه‌ی وحدت میان اعضاء منفرد یک مجموعه، را در هیأت یک کل و به‌صورت یکپارچه نشان دهد. در این تفسیر، مفهوم جمع بیش از تجمیع اعضاء منفرد است و درواقع بیانگر وجود ارتباط مشخص و تعریف‌شده‌ی اعضاء نسبت به هم و نسبت به تمامیت مجموعه است.

(۵) دست‌های پشت پرده این نابسامانی را رقم زده‌است.

مصدق «دست‌ها» می‌تواند بر یک جفت دست دلالت کند و مجاز از انسان باشد.^{۲۲} درست همان‌گونه که مفهوم واژه جمع "wheels" صرفاً به‌معنای بیش از یک چرخ نیست، بلکه از طریق مجاز جزءبه‌کل به‌طور خاص بر چهار چرخ دلالت دارد که در رابطه‌ی مشخص و تعریف‌شده‌ی نسبت به بدنه و کلیت اتومبیل قرار دارند.^{۲۳}

ویرسیکا^{۲۴} (۱۹۸۸: ۴۵-۵۳۹) بر این مطلب تأکید دارد که گاهی صورت جمع واژه بر عناصری دلالت دارد که نه بر پایهٔ ویژگی‌های ذاتی، بلکه براساس گروه‌بندی تصادفی^{۲۵} و قراردادی در فضا/مکان، مرتبط و جمعی تلقی می‌شوند^{۲۶}. مثال‌های زیر نمونه‌هایی از این خوانش تکواژ «ها» در فارسی را نمایش می‌دهند.

- (۶) الف. خرت‌وپرتها رو از توی اتاق جمع کن.
 ب. کتاب‌متاب‌ها رو بذار تو کمده.
 ج. افزودنی‌های مجاز باید به میزان محدود در غذاها استفاده شوند.
 د. دستاوردهای پژوهشی ایران در سال ۱۳۹۵ چشمگیر است.
 هـ. صبر کن تا کارها روی غلتک بیافته.
 د. باید از دست‌اندازی‌های زمین‌خواران بر روی منابع طبیعی ممانعت کرد.
 و. در این زمانه باورها سست شده‌است.
- ساخت اتباع و دوگان‌سازی واژه پایه در موارد (الف) و (ب)، به‌نوعی خود بیانگر مفهوم گروه‌بندی و اشاره به مصداق‌های مربوط به یک مقوله است که در کنار تکواژ جمع، کارکرد پیوستگی معنایی دارد.

۳-۴ نامشخص‌بودن مرز ادراکی

خوانش معنایی دیگر جمع به مرز‌نمایی ادراکی مربوط می‌شود که انتظار می‌رود بیشتر متوجه مرز اشیاء و عناصر ملموس باشد. مثال زیر چنین خوانشی از مفهوم جمع در فارسی را نشان می‌دهد.

- (۷) دامنهٔ شمالی کوه‌های البرز بسیار سرسبز و حاصلخیز است.
 در مثال فوق با وجود آن‌که «کوه» به طرز بارزی دارای مشخصهٔ وحدت و پیوستگی است، اما فاقد مرز ادراکی مشخص است و صورت جمع، بیش از آن‌که بر تعدد کوه‌ها دلالت کند، بر نامشخص‌بودن مرز ادراکی تأکید دارد. مثال زیر نمونهٔ دیگری است، که واژهٔ جمع نشانگر پیوستگی و در عین حال عدم مرز ادراکی دقیق مصداق جمع است.
- (۸) کرانه‌های باختری رود اردن مورد حمله واقع شده‌است.



علی‌رغم تأکید آکروایوا (۲۰۰۸) بر ارائه مثال‌هایی از این دست، نمی‌توان کارکرد معنایی فوق را صرفاً به مصادیق عینی و اسم‌های ذات محدود کرد. در زبان فارسی شواهد قابل توجهی وجود دارد که به‌خوبی نشان می‌دهد، گاهی تلقی مفهوم جمع برای اسم‌های معنی، به‌ویژه اسم‌های مکان و زمان به نامشخص‌بودن مرز ادراکی وابسته است. در انوری (۱۳۸۲: ۲۵۸۴) با ذکر مثال به این نکته اشاره شده که گاهی «-ها» برای اشاره به زمانی نامعین یا حدود زمانی خاص، به‌ویژه در گذشته به کار می‌رود.

(۹) الف. این آخرها دیگر با هم دوست شده بودیم. (فرهنگ سخن، ۲۵۸۴)

ب. دمدم‌های صبح خسته و زخمی به کلبه رسید.

مثال‌های زیر نیز نشان می‌دهد که این تقریب زمانی می‌تواند حتی تا آینده امتداد یابد.

(۱۰) الف. این روزها زندگی سخت‌شده است.

ب. همین روزها از پایان‌نامه خود دفاع خواهم کرد.

در حالی‌که مصداق «این آخرها» در (الف)، تقریبی از دوران متأخر مربوط به یک دوره زمانی در گذشته را نشان می‌دهد، مصداق «روزها» در (الف) بر تقریبی از دوران متأخر، دلالت دارد که از گذشته تا حال و حتی آینده امتداد می‌یابد.

گرچه علی‌نژاد و طیب (۱۳۸۵: ۱۶۲) به ذکر مثال‌هایی از کارکرد «-ها» در مفهوم «حدود مکانی و زمانی» به نقل از معین (۱۳۶۶) می‌پردازند، اما معتقدند که چنین مفهومی، به دلیل واژه‌های پایه دال بر مفاهیم زمان و مکان به ذهن متبادر می‌شوند و ربطی به تکواژ جمع ندارد.

(۱۱) الف. نزدیکی‌های جزیره ... به یک کشتی برخوردیم.

ب. دمدم‌های صبح به آبادی رسیدیم. (علی‌نژاد و طیب به نقل از معین)

این در حالی است که لازار (۱۳۸۴: ۸۶) به‌درستی، تعمیم یا تقریب، را دیگر نقش تکواژ «-ها» برای قیود مکان و زمان و برخی از اسم‌های معنی می‌داند:

(۱۲) الف. اولها (اول: زبان گفتار)، آخرها (آخر: زبان گفتار)

ب. نصفه‌های شب جنگ بین‌المللی به این زودی‌ها شروع خواهد شد. (لازار)

عقیده علی‌نژاد و طیب (۱۳۸۵) مبنی بر تأثیر بار معنایی واژه‌های پایه دال بر زمان و مکان واژگان پایه در مثال‌های فوق کاملاً پذیرفتنی و انکارناپذیر است؛ کمااین‌که چهارچوب نظری مطرح در این نوشتار نیز بر این واقعیت صحه می‌گذارد و تأکید می‌کند که مفهوم جمع در تعامل

با محتوای معنایی واژه پایه حاصل می‌شود؛ اما باید توجه داشت که محتوای معنایی زمانی این واژه‌ها موجب برداشت تقریب نمی‌شود، بلکه در واقع عدم وجود مرز ادراکی دقیق و معین برای آن‌هاست که به استنباط معنایی تقریب و چندمعنایی شدن تکواژ «ها» می‌انجامد. از سوی دیگر، اگر آن‌گونه که علی‌نژاد و طیب بیان می‌کنند، القای مفهوم تقریب ربطی به حضور «ها» نداشته‌باشد، قاعدتاً حضور یا غیبت آن در کنار واژه‌های مذکور نباید موجب تمایز معنایی شود، درحالی‌که حذف «ها» از گروه‌های اسمی فوق، تفاوت معنایی ظریفی را ایجاد می‌کند. نکته قابل تأمل دیگر آن است که در سایر مثال‌های نقل‌شده از معین و لازار، نقش تکواژ «-ها» بیان تقریب نیست و کارکرد برجسته دیگری دارد، که در مکان مقتضی به آن خواهیم پرداخت.

۴-۴ موردنمایی

آخرین کارکردی که آکاوویوا (۲۰۰۸) برای مفهوم جمع ارائه می‌دهد مصادیق مختلف موردنمایی است که در دو دسته اصلی «گسترده‌گی موقعیت‌یافته» و «موردنمایی تنوع نوعی» ارائه می‌شوند. در ادامه سعی خواهیم داشت با اختصار تمام به برخی جنبه‌های معنایی مختلف این موردنمایی‌ها برای تکواژ «ها» اشاره کنیم.

آکاوویوا (۲۰۰۸: ۱۰۷) بیان می‌کند که جمع اسم‌های شمارش‌ناپذیر می‌تواند تلفیقی از چند ویژگی دال بر گسترده‌گی موقعیت‌یافته را توأمان نشان دهد. ملموس بودن مصداق یکی از جلوه‌های گسترده‌گی موقعیت‌یافته است. صورت جمع اسم‌های معنی که نه تنها از نظر مفهومی بر تجمیع دلالت ندارد، بلکه گاه بر موقعیت‌هایی که دارای این ویژگی است اشاره دارد، نمونه‌ای از این کارکرد جمع‌سازی است.

(۱۳) وفاداری‌های او نسبت به دوستان ستودنی است.

صورت جمع «وفاداری‌ها» برخلاف صورت مفرد آن، به وضوح بر خود ویژگی انتزاعی دلالت نمی‌کند، بلکه به فضاها و موقعیت‌های عینی و ملموسی اشاره دارد، که وفاداری به دوستان تحقیق‌یافته است. از آنجا که تفسیر عینی، به واسطه موقعیت‌های مکانی/زمانی حاصل می‌شود، کارکرد «ها» تلفیقی از خوانش عینی و ارجاع به فضای زمانی/مکانی و حتی فراوانی است.



صورت جمع «باران‌ها» در مثال زیر نمونه دیگری از گسترش فضایی است.

(۱۴) باران‌های شمال کشور در فصل پاییز سیل‌آساست.
یکی از نکات ظریفی که لازار (۱۳۸۴: ۸۵) مدنظر قرار می‌دهد آن است که «در بسیاری از موارد می‌توان مفرد یا جمع را بدون تفاوت قابل ملاحظه‌ای در معنی به کار برد».

(۱۵) الف. خیلی کتاب خواندم.

ب. کتاب‌ها خواندم. (لازار، ۱۳۸۴: ۸۵)

البته او منکر وجود اندک اختلاف معنایی دو جمله فوق نمی‌شود و در توضیح این مطلب می‌افزاید، «جمله در هر دو مورد متضمن این معنی است که چندین کتاب در کار بوده است، منتها ساخت جمع تعداد را برجسته‌تر می‌سازد و آن را به نحو ملموس‌تری ارائه می‌دهد. مفرد برعکس، باز نمود این کتاب‌های متعدد را کمرنگ‌تر می‌کند». این توضیحات مؤید آن است که گاهی تکواژ جمع می‌تواند بیانگر فراوانی باشد، گرچه لازار شخصاً چنین موضوعی را تصریح نمی‌کند.

علی‌نژاد و طیب (۱۳۸۵: ۱۶۱) تکثر را در مفهوم «زیادی و فراوانی چیزی» و متفاوت از مفهوم تعدد و دلالت بر بیش از یک مصداق معنی می‌کنند. به عقیده آنان «در کلمه جمع آب‌ها تعداد مطرح نیست؛ زیرا کلمه آب شمارناپذیر است و لذا جمع اسم‌های شمارناپذیر در فارسی معنای تعدد ندارد و در بیشتر موارد معنای تکثر دارد»؛ اما در ادامه می‌افزایند که «مفهوم تکثر تنها مربوط به اسم‌های شمارناپذیر نیست، بلکه جمع اسم‌های شمارپذیر نیز در برخی از بافت‌های کلام بر تکثر دلالت دارند».

(۱۶) الف. آب‌ها از آسیاب افتاد.

ب. این روزها دیگر به کسی نمی‌توان اعتماد کرد. (علی‌نژاد و طیب ۱۳۸۵: ۱۶۱)

انوری (۱۳۸۲: ۲۵۸۴) در این راستا بیان می‌کند که تکواژ «-ها» می‌تواند برای مبالغه در کثرت به کار رود.

(۱۷) سال‌ها باید بگذرد تا این درد فراموش شود. انوری (۱۳۸۲: ۲۵۸۴)

عباسی (۱۳۸۱) کارکرد «-ها» در ساخت‌هایی چون «برق‌ها رفتند/آب‌ها ریختند» را مبالغه در مقدار و جمع‌بستن ظروف حاوی مظرورف ذکر می‌کند. هر سه بیان فوق، منطبق بر کارکردی از مفهوم جمع است که آکواویوا از آن با عنوان فراوانی یاد می‌کند. اما لازار (۱۳۸۴: ۸۶) معتقد

است «صیغه جمع اسم‌های غیرقابل‌شمارش، نشان می‌دهد که ماده‌ای که این اسم نمودار آن است، به چندین واحد تقسیم شده و در این‌جا تعدادی از آن‌ها در نظر بوده است»؛ بنابراین همچنان بر مفهوم تعدد تأکید دارد.

(۱۸) این آب‌ها (یعنی آب درون این برکه‌ها، حوض‌ها، استخرها) لازار (۱۳۸۴: ۸۶)

لازار (۱۳۸۴: ۸۷) در ادامه می‌افزاید، صورت جمع اسم شمارش‌ناپذیر بیش از آن‌که جمع بودن را برساند، اغلب نمودار تأکید است.

(۱۹) الف. پول‌ها (یعنی: مبلغ هنگفتی پول)

ب. این پول‌ها (یعنی: این همه پول)

ج. خون‌ها ریخته شد!

د. مدت‌ها (یعنی: مدت بسیار طولانی، زمان بسیار طولانی) لازار (۱۳۸۴: ۸۶)

شایان ذکر است که علی‌رغم دقت نظر لازار در مورد تنوع کارکرد تکواژ «-ها»، در ارائه مثال‌ها توجه کافی ندارد و دو مفهوم تأکید و فراوانی را در هم آمیخته است؛ کمالین‌که تفسیری که شخص او درون پرانتز قرار داده نیز گویای این مطلب است. از سوی دیگر علی‌نژاد و طیب در اشاره به کارکرد فراوانی، دقت بیشتری دارند و با وجود آن‌که، به نقل از معین (۱۳۶۶) به کارکرد «تأکیدی» برای تکواژ «-ها» اشاره می‌کنند، ولی مصرانه اذعان می‌دارند که مفهوم «تأکید» در قالب تکثر و تعداد قابل توضیح است.

(۲۰) چون نامه به امیر رسید، آن نامه بخواند و تعجب‌ها (علی‌نژاد و طیب به نقل از معین) کرد.

باتوجه به این واقعیت که واژه جمع در مثال فوق بیش از آن‌که بیانگر تأکید باشد، نماینده شدت تعجب است، درواقع می‌توان آن‌چه آکوایوا تحت عنوان فراوانی معرفی و آن را صرفاً به جنبه فراوانی کمی محدود کرده است، از جنبه کیفی نیز مورد ملاحظه قرار داد. با وجود آن‌که تمامی تنوعات و مثال‌هایی که آکوایوا (۲۰۰۸) از زبان‌های مختلف در معرفی کارکرد فراوانی ارائه می‌دهد، بر فراوانی کمی مصداق دلالت دارند، اما شواهد زبان فارسی نظیر مثال زیر به خوبی تأیید می‌کند که فراوانی مصداق می‌تواند از جنبه کیفی و شدت‌بخشی نیز مورد توجه باشد.

(۲۱) علی حالاحالاها به جایی نمی‌رسد.



برخی از مثال‌هایی که معین (۱۳۶۶) به عنوان نقش تأکید و لازار (۱۳۸۴) به عنوان نقش تعمیم و تقریب برای تکواژ «-ها» بیان می‌کنند نیز به کارکرد شدت بخشی این تکواژ اشاره دارد. (۲۲) الف. به این زودی‌ها به جایی نخواهیم رسید. (علی‌نژاد و طیب به نقل از معین) ب. همین‌که کسی به کاری عادت کرد، دیگر به این آسانی‌ها نمی‌تواند ترک کند. (لازار به نقل از دهخدا)

در مثال‌های (۲۲) و (۲۳) صورت منفی فعل، موجب تفسیر شدت بخشی در جهت معکوس مفهوم واژه می‌شود:

(۲۳) الف. حالاحالاها نرسیدن = بسیار دیر رسیدن

ب. به این زودی‌ها نرسیدن = بسیار دیر رسیدن

ج. به این آسانی‌ها ترک نکردن = بسیار به سختی ترک کردن

با توجه به توضیحات فوق می‌توان دریافت که آنچه انوری (۱۳۸۲: ۲۵۸۴) با ذکر مثال زیر در بیان نقش تأکیدی تکواژ «-ها» ارائه می‌دهد، نیز در واقع نشانگر شدت است.

(۲۴) این قدرها هم ندار نیست. انوری (۱۳۸۲: ۲۵۸۴)

ذکر یک نکته در این راستا ضروری است. با توجه به تفسیر پاره‌گفتی نظیر مثال فوق که در واقع از شدت فقر و نداری می‌کاهد و تأثیر افزایشی ندارد^۷، شاید کارکرد شدت بخشی تکواژ «-ها» مورد تردید واقع شود؛ کمالین که انوری نیز کارکرد معنایی آن را در مثالی این چنینی تأکیدی قلمداد می‌کند. اما باید توجه داشت که آنچه در تعیین نقش «-ها» حائز اهمیت است، صرف حضور ویژگی زیربنایی شدت است، خواه در جهت مثبت و افزایشی عمل کند، خواه در جهت عکس و به صورت کاهش.

علی‌رغم آنچه در تأیید نقش شدت بخشی و رد کارکرد تأکیدی برای تکواژ «-ها» در مثال‌های فوق ارائه شد، اما نمی‌توان نقش تأکیدی این تکواژ در سایر بافت‌ها را نادیده گرفت. در بخش پایانی تحلیل به نمونه‌ای از این کارکرد اشاره می‌شود.

شریفان و لطفی (۲۰۰۳: ۶-۲۳۱) کارکردهای خاص مفهوم جمع را برای واژه‌های «آب» «روغن» و «برنج» بررسی می‌کنند. آکواویوا (۲۰۰۸: ۱۱۱) به نقل از ایشان با ذکر مثال، کارکرد بیان پراکندگی برای صورت جمع «آب» در فارسی را نشان می‌دهد و تأکید می‌کند که آب

پخش شده روی زمین، برخلاف آب دریا، یک پیکره واحد نیست و فاقد مشخصه وحدت است؛ خواه به صورت لکه‌ای بزرگ و یکپارچه در سطح زمین گسترده شده باشد و خواه لکه‌های پراکنده و چندقسمتی را شامل شود. او با اشاره به نظر شریفان و لطفی (همان) بیان می‌کند که در زبان فارسی همپوشانی میان سه مفهوم ملموس بودن، وفور و پراکندگی موجب می‌شود حوزه ارجاع در مثال‌های زیر، از نظر ادراکی جمع و نه مفرد باشد.

(۲۵) الف. آبا رو از کف آشپزخونه جمع کن.

ب. برنجا رو اینور و اونور نپاش.

ج. روغنا داره می‌ریزه. (شریفان و لطفی به نقل از آکوایوا)

علاوه بر موارد فوق، تلفیق دو کارکرد پراکندگی و وفور را می‌توان در تفاوت تفسیری «آب» و «آب‌ها» در دو مثال زیر مشاهده کرد.

(۲۶) الف. آب مایه حیات است.

ب. در ایران آب‌های سطحی هدر می‌روند.

صورت مفرد آب صرفاً بیانگر اسم نوع و وفور است؛ اما صورت جمع آن بر وفور و پراکندگی مصداق توأمان تأکید می‌کند.

یکی دیگر از ابعاد موردنمایی، بیان تنوع نوعی است که موجب می‌شود شمار جمع بر «نوع» دلالت کند، بدون آن‌که افراد و موردهای معرفه و مشخص از مصداق مدنظر باشد. به بیان آکوایوا (۲۰۰۸: ۱۱۲) یک اسم نوع، هم‌زمان بر «یک» و «بسیار» دلالت دارد و تفاوت شمار ارتباطی به خوانش مجموعه‌ای یا توزیعی واژه ندارد، بلکه صرفاً نماینده انواع و طبقه مصداق است.

(۲۷) ببرها در حال انقراضند.

از انوری و گیوی (۱۳۹۰/۲: ۹۲) نقل شد که ایشان معتقدند جمع‌بستن مخصوص اسم‌های عام است؛ مگر آن‌که غرض، بیان انواع و امثال باشد نه جمع بودن.

(۲۸) ایران در دامان خود فردوسی‌ها و نظامی‌ها پرورده است. (انوری و گیوی)

ایشان اسم‌های جمع فوق را «شاعرانی مانند فردوسی و نظامی» تفسیر می‌کنند و بنابراین نقش تکواژ «ها» در این کاربرد خاص را بیان مشابهت و همانندی می‌دانند، که قطعاً پذیرفتنی است؛ اما موردنمایی تنوع نوعی در این کاربرد خاص، نه تنها بیان اسم نوع و نشانگر مشابهت



است، بلکه در آن واحد بر فراوانی تأکید دارد. مثال زیر مورد دیگری است که کارکرد چندبعدی موردنمایی تکواژ «-ها» را به صورت نمونه‌آوری تنوع نوعی و بیان شدت و فراوانی کیفی نشان می‌دهد.

(۲۹) این تو بمیری از اون تو بمیری‌ها نیست.

آخرین کارکردی که طرح آن به انتهای بحث موکول شد، نقش تأکیدی «-ها» است.

(۳۰) از اون شیرینی خوشمزه‌ها بپز!

بدیهی است که ساخت جایگزین «اون شیرینی‌های خوشمزه» نیز وجود دارد، اما در این صورت اندک تمایز معنایی حاصل خواهد شد. قرارگرفتن تکواژ «-ها» در انتهای گروه اسمی و اتصال آن به آخرین سازه گروه (صفت)، موجب می‌شود که تمامیت گروه اسمی «اون شیرینی خوشمزه» به مثابه یک واحد اسمی عمل کند. به این ترتیب تحدید ارجاعی گروه اسمی به طرز بارزتری بیان می‌شود و مصداق آن به صورت برجسته و با تأکید، موردنمایی می‌گردد. شاهد این ادعا آن است که کلیت سازه، یک تکیه اصلی بر روی هجای پایانی خود که همان تکواژ «-ها» است، می‌پذیرد. در واقع در زبان فارسی مقوله اسم و صفت بر روی هجای پایانی خود تکیه دارند. در سازه گروه اسمی دارای وابسته صفت، تنها یک تکیه اصلی بر روی هجای آخر سازه یعنی صفت قرار می‌گیرد و در مورد اسم‌های جمع، تکواژ جمع‌ساز حامل تکیه اصلی خواهد بود (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۷۴: ۹-۱۱۸). بنابراین در ترتیب سازه‌ای «اون شیرینی‌های خوشمزه» سازه اسمی موجود دارای دو تکیه خواهد بود؛ یک تکیه، بر روی تکواژ «-ها» و یک تکیه بر هجای پایانی صفت. اما اگر تکواژ «-ها» به انتهای گروه اسمی منتقل شود، کلیت سازه به مثابه یک واحد اسمی مرکب، تنها یک تکیه اصلی بر هجای پایانی سازه که همان تکواژ «-ها» است، می‌پذیرد و این به تحدید بارزتر گستره ارجاعی می‌انجامد. نتیجه آن‌که جایگاه تکواژ «-ها» در گروه اسمی می‌تواند موجب تأکید بیشتر بر مصداق شود.

۵- نتیجه‌گیری

گرچه به مبحث شمار از دیرباز در همه کتاب‌های دستور زبان فارسی و سایر مطالعات اشاره شده، اما از حیث رده‌شناسی مورد توجه نبوده است. در این مجال کارکردهای متنوع معنایی تکواژ «-ها» در چهارچوب رده‌شناختی آکوایوا (۲۰۰۸) بررسی شد و مشخص گردید

که زبان فارسی از حیث رده‌شناختی از تنوعات کارکردی جمع‌سازی تبعیت می‌کند و این تکواژ تحت تأثیر ویژگی‌های معنایی اسم پایه می‌تواند بیانگر یک یا تلفیقی از مفاهیم زیر باشد: ۱- دلالت بر بیش از یک مصداق مشروط بر آن‌که اسم پایه شمارش(نا)پذیر دارای مراتبی از وحدت و همسانی باشد. همچنین این تفسیر معنایی می‌تواند بر ویژگی‌های انتزاعی و ذهنی نیز دلالت کند. گسترش مفهوم تعدد می‌تواند در زبان فارسی در خدمت بیان مفهوم دستوری نمود ناقص از نوع عادت و تکرار نیز باشد؛ ۲- بیان پیوستگی برای هر دو نوع اسم ذات و معنی؛ ۳- بیان تعدد بدون وجود مرز ادراکی قابل تشخیص نه‌تنها برای اسم‌های ذات، بلکه برای اسم‌های معنی به‌ویژه اسم‌های دال بر زمان که خوانش تقریب زمانی را حاصل می‌کند و محدوده این تقریب در بافت و باتوجه به محتوای معنایی واژه پایه می‌تواند برش‌های زمانی متنوعی از گذشته تا آینده را دربرگیرد؛ ۴- القاء خوانش ملموس و عینی از اسم‌های معنی و زمان/مکان به‌واسطه ارجاع به فضای زمانی/مکانی و موردنمایی آن؛ ۵- فراوانی کمی و کیفی (شدت‌بخشی) اسم‌های ذات و معنی؛ ۶- بیان پراکندگی و گستردگی موقعیت‌یافته برای اسم‌های توده‌ای؛ ۷- بیان مشابهت؛ ۸- تأکید بر مصداق.

از میان کارکردهای فوق نقش‌های نمودی، شدت‌بخشی، تأکید و تقریب زمانی، ویژگی‌های معنایی مختص جمع‌سازی در زبان فارسی هستند و آکاوایو علی‌رغم تلاش برای جامعیت بحث و اشاره به دامنه تنوعات معنایی پدیده جمع‌سازی از حیث رده‌شناسی معنی‌شناختی به چنین کارکردهایی اشاره نکرده‌است. با وجود این، همچنان می‌توان این کارکردها را از طریق بسط و گسترش حوزه‌های مطروحه در چهارچوب مذکور تبیین نمود.

۶- پی‌نوشت‌ها

1. Acquaviva
2. quantifier phrase
3. Kawashima
4. unity
5. identity
6. perceptual boundary



۷. لازم به ذکر است که عدم ترجمه برخی مثال‌ها، به دلیل تفاوت رفتار صرفی-نحوی زبان‌های فارسی و انگلیسی است که موجب می‌شود در برگردان مثال، واژه‌ای مانند «چین» و «کتاب» فاقد تصریف جمع باشد.

- 8. cohesion
- 9. Jackendoff
- 10. Gil
- 11. additive
- 12. diffused continuum
- 13. instantiation
- 14. situated extension
- 15. manifold kind-instantiation
- 16. atomicity
- 17. concreteness
- 18. abundance
- 19. dispersal

۲۰. ذکر این نکته ضروری است که آکواویوا واژه kind را در مفهوم generic noun به‌کار می‌برد و معتقد است، صرفاً به‌طور عام، نوع (type) هر مصداق مشخص می‌شود و نه مورد (token) خاصی از آن.

21. distributive interpretation

۲۲. این خوانش نیز دور از ذهن نیست که مصداق جمع «دست‌ها» دال بر بیش از یک جفت دست و بنابراین بیش از یک انسان باشد. در این صورت نیز همچنان خوانش مورد اشاره برداشت می‌شود و تناقضی وجود ندارد؛ زیرا هر یک جفت دست، نماینده یک انسان است.

۲۳. در فارسی به دلیل تفاوت ساختارهای میان دو زبان، چنین کارکردی عمدتاً از طریق ساختارهای دارای عدد بیان می‌شود. مواردی نظیر «پنج‌دری، چهاردیواری، دوچرخه و چهارچوب» از این دسته‌اند.

24. Wierzbicka

25. contingent

۲۶. برخی مواردی که ویرسیکا (۱۹۹۸) از این خوانش معنایی برای واژه‌هایی چون "groceries" ارائه می‌دهد، در زبان فارسی با رابطه عطفی (خواروبار) بیان می‌شوند.

۲۷. در واقع وجود دو صورت منفی در ساخت جمله موجب چنین تفسیری شده و نقش کاهنده شدت دارد. بنابراین «آن‌قدرها ندار نبودن»، به معنی «خیلی ندار نبودن» است.

۷- منابع

- انوری، حسن. (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن، تهران: سخن.
- انوری، حسن و حسن احمدی‌گیوی. (۱۳۹۰). دستور زبان فارسی ۲، ویراست چهارم، تهران: فاطمی.
- درزی، علی و لیلا قدیری. (۱۳۹۰). «کمیت‌نمایی نشانه جمع -ها در فارسی»، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی (جستارهای زبانی)، ۲ (۱): ۷۱-۸۵.
- شریعت، محمدجواد. (۱۳۶۴). دستور زبان فارسی، تهران: اساطیر.
- عباسی، آریتا. (۱۳۸۱). «شمارپذیری در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، ۱۷: ۲۱-۹.
- علی‌نژاد، بتول و محمدتقی طیب. (۱۳۸۵). «نگاهی به دستگاه شمار در فارسی معاصر»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۴۸: ۱۷۰-۱۵۸.
- قریب، عبدالعظیم و همکاران. (۱۳۷۳). دستور زبان فارسی (پنج استاد)، تهران: ناهید.
- لازار، ژیلبر. (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی معاصر، مهستی بحرینی، تهران: هرمس.
- ماهوتیان، شهرزاد. (۱۳۷۸). فارسی از دیدگاه رده‌شناختی، مهدی سمائی، تهران: مرکز.
- مشکوة‌الدینی، مهدی. (۱۳۷۴). ساخت آوایی زبان، ویراست سوم، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- معین، محمد. (۱۳۶۶). مفرد و جمع، تهران: امیرکبیر.
- Acquaviva, P. 2008. *Lexical plurals: a morphosemantic approach*, Oxford, Oxford University Press.
- Ghomeshi, J. 1996. "Projection and inflection": A study of Persian phrase structure, Ph.D. Dissertation: University of Toronto.
- Gil, D. 1996. Maltense "collective nouns": a typological perspective, *Rivista di Linguistica* 8: 53-87.
- Jackendoff, R. 1991. Parts and boundaries, *Cognition*, 41: 9-45.
- Samiiian, V. 1983. "Structure of phrasal categories" in Persian, an x-bar analysis, Ph.D. Dissertation: UCLA.
- Sharifan, F. and A. Lotfi 2003. Rices and waters: the mass-count distinction in modern Persian, *Antropological Linguistics*, 43: 226-44.
- Wierzbicka, A. 1988. The semantics of grammar, Amsterdam, Benjamins.



Morpho-semantic aspects of “hâ” in Persian from a typological perspective

Fatemeh Bahrami

Assistant Professor of Linguistics, Shahid Beheshti University

Abstract:

Number is a grammatical concept, whose singular/plural distinction has been mentioned in many Persian grammar books; but less attention has been paid to various semantic functions of plurality. So it is often interpreted as ‘referring to more than one entity’. Present article is an attempt to investigate morpho-semantic aspects of “hâ” as one of the most frequent plural-making morphemes, particularly with the aim of examining to what extent Persian number system follows from the range of cross-linguistic varieties. Assessment of data according to Acquaviva’s framework clarifies that Persian follows from typological semantic functions and plural-making with “hâ” represents different interpretations in relation to basic lexical meaning of nouns it attaches to. In sum, plurality in Persian conceptualizes one or more functions as follows: referring to more than one entity or representing imperfect aspect, cohesion, blurred perceptual boundary, concrete reading of abstract and spatio-temporal nouns, instantiation, quantitative and qualitative abundance of the referent, distributive-dispersal interpretation of mass nouns, similarity and emphasizing. It is worth mentioning that some aforementioned functions such as representing aspect, quantitative abundance, emphasizing and approximate temporal extension have not been introduced in the framework and they can just be found in Persian. Nevertheless, it is also possible to explain these outputs by extending the conceptual modules of the framework.

Keywords: number, “hâ” morpheme, semantic typology, morpho-semantic features